

مدل کولیولی^۱

ژینوس شیروان^۲

چکیده

آثار منتشر شده آنتوان کولیولی^۳ معمولاً به صورت مقاله انتشار می‌یابند (رک، فهرست منابع) و دو مشخصه مشترک دارند که دیدگاه نویسنده را نشان می‌دهند. این آثار به تفکرات نظری و علم شناخت^۴ اهمیت زیادی قائل است و به بسط مدل زبانی معین، به طور اعم، در کلیت خود کمک می‌کند، و در عین حال، مثال‌های تحلیلی بسیار دقیق از پدیده‌های خاص ارائه می‌دهد.

از دو نظر روش کولیولی قابل توجه است: نخست، توجه به مسائل نظری که در ابتدا زبانشناس در مورد کارایی نظریات خود مورد سوال قرار می‌دهد و از هر گونه کوششی در زمینه "تجربه گرایی"^۵ و "صورت-گرایی"^۶ اجتناب می‌کند. دوم، پژوهش‌های طرح‌ریزی شده در این جهت، همزمان راه را در حوزه زبانشناسی به روی این حوزه می‌گشاید و همزمان، در حالیکه از یک سو نظریه "بیان"^۷ را پیشنهاد می‌کند در مورد رشته‌های مجاور نیز این امکان را فراهم می‌کند تا زبانشناسی با طرح مسایل نظری دیگر پیوند یابد. در اینجا، قصد نداریم تصویری "کامل" و ضرورتاً، توصیفی و تحقق‌ناپذیر ارائه دهیم بلکه در این مقاله سعی می‌شود که از خلال مقاله‌های آنتوان کولیولی، خطوط عمده نظریه وی ارائه شود.

واژگان کلیدی: ۱- علم شناختی ۲- نظریه موضوع ۳- نظریه مشاهده ۴- نظام اشتقاق فراجمله

1- Fuchs, C. et le Goffic, p. (1975) Initiation aux problèmes des linguistiques contemporaines, Hachette Université, pp. 120-127

(مقاله حاضر ترجمه فصل "مدل کولیولی" از کتاب فوق است)

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

۳- آنتوان کولیولی ریاست مرکز تحقیقات زبانشناسی صوری را در دانشگاه ژوسیو پاریس به عهده داشته است. عضو مرکز ملی تحقیقات علمی و در اکل نرمال سوپرپور مدرس بوده است.

4- Réflexions théoriques et épistémologiques

5- empirisme

6- formalisme

7- enonciation

۱- موضع گیری‌های نظری و علم شناختی

ضرورت مضاعف وجود "نظریه موضوع"^۱ و "نظریه مشاهده"^۲ در زبان‌شناسی، دقیقاً، در خود تعریف زبان‌شناسی خلاصه شده است: "زبان"^۳ از طریق زبان‌های طبیعی عمل می‌کند."^۴

۱-۱- نظریه موضوع

"موضوع" از طریق رابطه دیالکتیکی بین زبان به عنوان فعالیت دو سویه معنایی تولید^۵ و بازساخت^۶ به وسیله گوینده‌های زبانی تعریف می‌شود: "توانایی عمومی تولید و تفسیر متون"^۷ و نظام زبان‌ها (زبان مجموعه نشانه‌های زبانی و قواعد شکل‌گیری آن است که خاص یک گروه است.)، یعنی، نظام‌هایی که قانون ساختار خود را دارند و اثرهای آن، به طور تجربی، به شکل تولیدهای شناخته‌شده قابل مشاهده است.

فراموش کردن یکی از این دو قطب، به طور اجتناب‌ناپذیری، ما را به این سو هدایت می‌کند که موضوع را به مجموعه ایستای پیکره زبانی تنزل دهیم، در این صورت تجزیه و تحلیل آن این خطر را در بر دارد که اسیر ویژگی‌های زبان یا زبان‌های مورد مطالعه شویم، خواه "موضوع" را در روند مشخص کردن مولفه‌های خیلی کلی زایل کند که در این صورت، این

1- Théorie de l'objet

2- Théorie de l'observation

3- Langage

زبان مجموعه مکانیسم‌ها و عملیاتی است که ارتباط زبانی را بین انسان‌ها برقرار می‌کند. زبان رفتاری پیچیده است که با عملکردهای متعدد، خاص نوع انسانی است (کولیولی، مفاهیم زبان‌شناختی، زبان).

4- Culioli, A....1968b, p.106.

5- . Production

منظور یکی از عملیاتی است که موقع صحبت کردن یا نوشتن به یک زبان روی می‌دهد (رک. معنای پس واژه‌ها، ۱۹۷۵).

6-. Reconnaissance

منظور تجزیه و تحلیل متونی است که از طریق گوینده ادا می‌شود (رک. همانجا).

7- Culioli, A....1973, p.83.

مولفه‌ها، باعث می‌شود ویژگی مکانیسم‌های زبانشناختی، به نفع فلسفه‌ای کنار گذاشته شود که غالباً همگانی‌گرا و ایده‌گراست.

چنانچه زبان، به عنوان، فعالیتی دو سویه که در بالا به آن اشاره شد، در نظر گرفته شود، این امر باعث می‌شود که موضوع زبانشناسی، به عنوان، مجموعه‌ای همگن و محدود به خود نادیده انگاشته شود. این نگرشی است که در فعالیت محتاطانه توزیع‌گرا^۱ مشاهده می‌شود. فعالیتی که خود را هم در سطح تکواژی- نحوی کاملاً ضعیفی محدود می‌کند و هم در ضرورت برخی نظریه‌های معناشناختی یا فلسفی زبان یافت می‌شود که در این صورت، اندیشه در زبان جای می‌گیرد در عین آنکه، اساساً، از واقعیتی که بر روی آن عمل می‌کند، جدا می‌گردد، یعنی، هر گونه وجود یا حداقل هر نفعی که در رابطه با این واقعیت فرازبانی^۲ دارد، نادیده گرفته می‌شود: "زبانی که معنای دلالت از آن جدا می‌شود" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۵).

بر خلاف این نگرش‌ها دیدگاه کولیولی این امکان را فراهم می‌آورد که از یک سو بین زبان و عناصر فرازبانی واز سوی دیگر بین زبانشناسی و رشته‌های دیگر پیوندی برقرار شود که موضوع این رشته‌های دیگر، به نوعی، بیانگر رابطه بین گوینده با واقعیت است، مثل، روانشناسی، روانکاوی و نظریه‌های ایدیولوژیکی...: "زبان یک نظام است ولی نظامی باز" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۷).

باید تصریح کنیم که پیشنهادات کولیولی چگونه دورنمایی از نظریه "بیان" را ارائه می‌کند در عین آنکه چارچوب نظری بیان را نیز مطرح می‌سازد. فعالیت دو سویه تولید/بازشناخت، دو نقش پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده را در جای خود قرار می‌دهد که در آن هر پیام‌دهنده همزمان می‌تواند پیام‌گیرنده خود و هر پیام‌گیرنده، پیام‌دهنده باشد. همچنین،

1- Distributionaliste

2- Extra-linguistique

منظور از عناصر فرازبانی، عواملی هستند که مولفه‌های خاص آنها به دستور زبان تعلق ندارد، ولی به کاربرد دستور زبان در سطح تولید و درک گفته‌ها مربوط می‌شوند. این عوامل شامل گویندگان زبان و موقعیت بیان گفتار می‌باشد (دوبوا، "فرازبانی").

کولیولی ترجیح می‌دهد که آنها را "گویندگان" بنامد: "گویندگان، اصطلاح‌هایی بنیادی^۱ هستند که بدون آنها "بیان" وجود ندارد" (همانجا، ص ۸۸). بنابراین، گفتگو بعد اساسی ارتباط را تشکیل می‌دهد. دو گوینده و همچنین موقعیت بیان گفتار^۲ که گویندگان جزو آن هستند، نه تنها اثر خود را بر گفته‌ها^۳ می‌گذارند، اثرهایی همچون نشانه‌های شخص، وابسته‌های دستوری (هر عمل بیان بیانگر حالتی است که در رابطه با واژگان اتخاذ می‌کند، مثلاً بین احمد و شیرین رابطه اسنادی برقرار است که از طریق فعل "خوردن" صورت می‌گیرد، کولیولی، مفاهیم زبان شناختی، "وابسته دستوری")، زمان‌ها^۴ و نمودها^۵... بلکه باید، به عنوان مفاهیم نظری، یکپارچه شوند. بنابراین

1-Termes primitifs

اصطلاح‌های بنیادی، یعنی آنچه به عنوان داده، فر ضیه یا اصل لولیه تلقی می‌شود. یک بار که در عملیات (opérations)، تا آنجایی که ممکن است جلو رویم و دور شویم، به روابطی شهودی و غیر قابل اجتناب و معین دست می‌یابیم، مثل، تقابل جاننداری / بیجان (رک. معنای پس واژه‌ها، ۱۹۷۵).

2- Situation d'énonciation

موقعیت بیان گفتار شامل سه عنصر اصلی است. دو گوینده، یعنی، گوینده و مخاطب وی که نقش آنها قابل تبدیل است، و عنصر زمان بیان گفتار، به علاوه روابط متعدد بین این عناصر:

- روابط بین دو گوینده S₁ و S₂

- روابط بین گویندگان و جهان یعنی (جهان ارجاعی) و ارجاعاتی که به برخی انواع رفتارها در درون چارچوب نهادی معین مربوط می‌شود.

- تصویری که هر گوینده از گوینده دیگر، از سایرین و از خود می‌سازد (رک. معنای پس واژه‌ها، ۱۹۷۵).

3- Enonées

گفته توالی نشانه‌های آوایی یا خطی است که به وسیله گوینده تولید می‌شود. گفته مکمن است از چند جمله تشکیل شود و ممکن است در حد یک کلمه کاهش یابد. مثال: **sortez!** = خارج شوید! زمانی که چند گوینده وجود دارد، تعداد زیادی گفته تولید می‌شود (همانجا)

۴- زمان دو مفهوم دارد:

۱- (در زبان انگلیسی: **Time**) رابطه‌ای بین زمان بیان گفتار و زمان بیان گفته وجود دارد.

۲- (در زبان انگلیسی: **tense**) صرف فعل که صرفاً از نظر تکواژ شناختی مد نظر است. در انگلیسی در زمان اصلی، حال و گذشته وجود دارد که شامل زمان‌های ساده و مرکب می‌شود (معنای پس واژه‌ها، ۱۹۷۵).

۵- نمود یعنی نحوه حرکت یک روند. "حالت" که جریان ندارد و "فرایند" از یک حالت به حالت دیگر را نشان می‌دهد و حرکت آن توسط گوینده به صورت‌های گوناگون در نظر گرفته می‌شود (همانجا).

"بیان" به عنوان مجموعه‌ای پی در پی از عملیات "تعیین"^۱ تعریف می‌شود که پیشروی تدریجی دارد و گفته‌ها به وسیله آن تولید یا بازشناخته می‌شوند. به طور دقیق‌تر، گفته‌های بالقوه، از خلال نظام‌های نشانه‌یابی، ارزش‌های دلالتی می‌گیرند که این امر در ارتباط با موقعیت بیان گفتار است که به عنوان نقاط اتصال بین گویندگان و زمان بیان گفتار... تلقی می‌شود. این امر هر گونه همگونی بیان را با نظریه اطلاعات منع می‌کند و همچنین در تقابل با مفهوم ابزاری زبان، به عنوان رمزگان خنثی (این رمزگان نسبت به انسان که از آن، به عنوان ابزار استفاده می‌کند، بیرونی است، کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۳) قرار می‌دهد و گویندگان برای رمزگذاری^۲/رمزگشایی پیام^۳ یا اطلاعاتی که در مورد یک مصداق فرازبانی است، به آن رجوع می‌کنند: "برقراری ارتباط با ارزش دلالتی کاملاً جنبه بیرونی و تصریحی دارد و تنها یک مورد استثنایی است" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۶).

در واقع، رمزگان خنثی وجود ندارد، به گونه‌ای که "گفته، بدون هدف دو سویه مفهوم در نزد گویندگان مربوط به آن، دارای معنا نیست" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۶)؛ "در بطن هر عمل زبانی، در بین گویندگان، انطباق بین نظام‌های نشانه‌یابی وجود دارد" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۵). به این ترتیب، عدم تقارن بین تولید/بازشناخت گفتار، نبودن تلاقی در بین نظام‌های مربوط به گویندگان، این امر را تحمیل می‌کند که در بطن نظریه زبانشناختی، پدیده‌هایی جای داده می‌شود که تا آن موقع کنار گذاشته شده بودند. به این عنوان که موفق به برقراری ارتباط نشده‌اند، همانند، اشتباه لفظی، ابهام، بازی با کلمات و استعاره‌ها. هر نظریه‌ای که این پدیده‌ها را نادیده انگارد یا آنها را در خدمت "آزادی تمام و کمال در مورد تغییرات سبکی (یا) در مورد درجات راز و رمزدار صرف و نحو" قرار دهد به طوری که، به گونه‌ای منفی، آنها را بر حسب زبان "دارای هنجار، سیاه شده

^۱- Détermination

"تعیین" یعنی، کم و بیش درجه بالایی از کلیت یک اصطلاح در یک بافت معین که در شبکه نشانه‌یابی کم بیش به هم فشرده قرار دارد (همانجا).

2-encoder

3-decoder

، عینی و روشن " تعریف کند (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۵) به نظر کولیولی، برای مد نظر قراردادن فعالیت زبانی کاملاً نامناسب است.

هر گفته‌ای ضرورتاً قالب‌بندی شده است: گویندگان، الزاماً از قواعد یکسانی پیروی نمی‌کنند (به نظر کولیولی، این موارد شامل جابجایی استعاری، تبادله‌ها، تنوعات عروضی) (نوای گفتار)^۱، ارزشیابی ذهنی^۲... می‌شود) و **ابهام** هم تشکیل دهنده زبان است.

علاوه بر رد تضادی مانند تضاد بین زبان/گفتار، چنین مفهومی که از بیان ارائه شده است، بدون ارائه تعریفی مجدد از مسایل معناشناسی امکان‌پذیر نیست. مثال‌های مربوط به بررسی مکانی که در مقاله‌های کولیولی وجود دارند، گفته می‌شود که به قلمرو "معناشناسی صوری" تعلق دارند. این قلمرو را به شرح زیر می‌توان مشخص کرد: موضوع این مطالعه بررسی منظم مفهوم است، به طوری که از **نظر زبانشناختی قابل دست‌یابی باشد**، یعنی، همانند "رابطه پیچیده‌ای که بین گفته‌ها (متون)، موقعیت بیان گفتار، معنا (رابطه بین "موضوع‌های زبان شناختی" که با مشخصه‌های فیزیکی - فرهنگی خود به موضوع‌های فرا زبانی ارجاع داده می‌شوند) و ارزش‌های دلالتی برقرار است (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۶). معناشناسی صوری از یک سو شرایط بیان گفتار و از سوی دیگر، **نظام‌های اشتقاق فراجمله‌ها** را مورد مطالعه قرار می‌دهد، منظور، مجموعه قواعدی که صورت اولیه گفته را به یک خانواده گفته‌ها پیوند می‌دهد، به عنوان مثال:

Jean conduit la voiture.	ژان ماشین را می‌راند.
Jean conduit.	ژان رانندگی می‌کند.
La voiture a jean qui lconduit.	ماشین ژان را دارد که آن را براند.
	ژان هست که ماشین را براند.

ژان به عنوان راننده ماشین را می راند. La voiture a jean pour conducteur.

ماشین به وسیله ژان رانندگی می شود. La voiture est conduite pa jean.

ماشین هدایت می شود. la voiture est conduite.

(کولیولی، ۱۹۷۱، صص ۱۳-۹).

از این دیدگاه نحو و معناشناسی، دو قلمرو مجزا محسوب نمی شوند: "بهتر است که جدایی اساسی بین نحو و معنا، ناگزیر، به سوی نحو با واژگانی که دارای قواعد فرافکنی است، رانده شود" (کولیولی، ۱۹۶۸ b، ص ۱۱۳).

۲-۱- نظریه مشاهده

مسئله بسیار مهم در زبان شناسی این است که این علم بتواند نظریه‌ای را برای مد نظر قرار دادن این واقعیت ارائه کند که "زبان‌ها، در عین متنوع بودن، واحدند، اما همه زبان‌ها دارای تعمیم دستوری (و ترجمه) هستند و دلیل آن این است که زبان‌ها، در درون خود، اشکال و عملیات همگانی دارند" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۷).

بنابر این هدف این است که به طور نظری به رابطه بین واقعیت همگانی، آن فعالیت دو سویه‌ای که زبان نام دارد و واقعیت اختصاصی، یعنی، نظام‌های ویژه هر زبان فکر کنیم. در واقع نوع همگانی‌هایی که کولیولی مطرح می‌کند، کارکرد و محتوا را در بر نمی‌گیرد، یعنی، مشخصه-های معنایی همگانی، برای واژگان، همانند آنچه در نزد چامسکی وجود دارد، است.

در حقیقت، این مسئله بیانگر تعادلی دیالکتیکی بین نظریه سازی و مشاهده است. بر این زمینه، یعنی، سنت زبانشناسی همگانی بر ضرورت توصیف بیشترین زبان‌های ممکن تاکید دارد. ولی زبان‌ها، بدون وجود حداقل فرضیه‌ها و مفاهیم نظری، توسط مشاهده‌گر ساده قابل درک نیستند: باید "قلمروی را که از طریق مشاهده بلافاصله به طور موهومی دیده می‌شود، رها کرد تا بتوان به طور تجربیدی عمل کرد" (کولیولی، ۱۹۶۸b، ص ۱۰۹) و باید از اینکه زبانشناسی را به سطح جمع‌آوری مجموعه‌ای از پدیده‌های منفرد تنزل داد، امتناع ورزید (همانجا، ص ۱۱۷). این

گونه است که مشاهده، به صورت تجربه در می‌آید و این امکان را فراهم می‌آورد تا فرضیه‌ها را آزمایش کرد و بتدریج از آنها نظریه ساخت. به این ترتیب، تدریجا، نظریه‌ای "ساده" فراهم می‌آید، یعنی، نظریه‌ای که به صورت پیش شکل است، به این معنا که از طریق کار تجربی، مفاهیم اساسی را استخراج کنیم، یعنی، صورت‌ها و عملیاتی که به شرح زیر است: عملیات، نقش کاملا مهمی بازی می‌کنند، به گونه‌ای که زبان نه فقط به صورت مجموعه واژگان بلکه به عنوان یک فعالیت در نظر گرفته می‌شود. این مفاهیم باید به کمک نظام فرا زبانی^۱ تشریح شوند و برای آنکه مناسب باشند، باید از دو تنگنا جلوگیری کرد: از یک سو، بازتولید نوعی مقوله سازی (اغلب ناآگاهانه)، که همگانی تلقی می‌شود و از سنت ناشی می‌گردد، "مجموعه لغات ساده‌ای که در سطح قرار می‌گیرد، عملیات را پنهان می‌کند و نشانه‌گرها^۲ را در ارزشی واحد و دقیق به صورت قالبی در می‌آورد و خنثی می‌کند" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۵) و از سوی دیگر، مفاهیم صوری را به طریق اولی، روی زبان پیاده می‌کند. مرحله نظریه‌سازی، کاملا زبانشناختی، امری است اساسی و مفاهیم صوری این خطر را در بردارند که فقط خلاصه شده روستاخت باشند یا "مجددا زبان را محصور کنند" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۶)، یعنی، در نهایت، هیچ ارزش توضیحی نداشته باشند.

صورت‌گرایی که در حال حاضر مورد توجه بسیاری از زبانشناسان است (برای نشان دادن نقش ایدئولوژیکی که تکنولوژی ایفا می‌کند، رک. کولیولی، ۱۹۶۸b، ص ۱۰۶، ۱۹۷۱، ص ۷، ۱۹۷۳، ص ۸۳)، پس از مرحله نظریه‌سازی زبانشناختی می‌تواند وارد عمل شود، در عین آنکه به سرشت و مولفه‌های مفاهیمی که توسط زبانشناس ارائه شده است، احترام می‌گذارد: "ما از ساختارهای ریاضی که به گونه‌ای مناسب و فراوان، خود را آشکار می‌کنند (...)، بی‌اطلاع هستیم: ما تکنیک‌های منطقی - ریاضی را استفاده نمی‌کنیم تا آنها را، عینا روی هر موضوعی پیاده کنیم (کولیولی، ۱۹۶۸، ص ۱۱۳).

1- meta langue

2-. Marqueur

نشانه گر، یعنی، اثر یک عمل ژرف ساخت در سطح روستاخت یا اثر یک مقوله دستوری (همانجا)

مدل کولیولی / ۳۷

صورت‌گرایی روشی دقیق و کامل برای برخی نکات اساسی، فرضیه فراهم می‌آورد که در اینجا قرار نیست "زبان را صوری کنیم!" تا تفسیر آن تایید یا بی‌اعتباری فرضیه‌ها و ساخت‌های نظری را ممکن سازد. این نکته را خاطر نشان کنیم که به نظر کولیولی، بهتر است نظریه را از طریق رویارویی با مشاهدات زبانشناسان روانشناختی آزمایش کنیم: " (زبان‌شناس) فرضیه‌های خود را فرمول‌بندی می‌کند و فرا- زبان را می‌سازد

اگر مشاهدات زبانشناسی روانشناختی، فرضیه‌ها را تایید کند، این امر بیانگر آنست که حتما اشتباه نکرده‌ایم. اگر فرضیه‌ها محاسبه‌هایی که از آن مشاهدات ناشی می‌شوند، از طریق تجربه‌ها، تایید نشده‌اند، در این صورت، نیز، باید آنچه را که ضبط نشده، رها کرد" (کولیولی، ۱۹۷۱، ص ۸). باید توجه کرد که از این دیدگاه، به نظر می‌رسد مفاهیم زبانشناختی که کولیولی پیشنهاد کرده است، مفاهیمی را که روانشناسان، در این زمینه، در مورد اکتساب زبان توسط کودک، در رابطه با ساختارسازی شناختی و ادراکی، مطرح کرده‌اند، تایید می‌کنند. برای نمونه، دو مثال ذکر می‌کنیم: از یک سو، سه ارزش اساسی عمل‌کننده در ارتباط با عمل نشانه‌یابی که شامل تحدید^۱، تعلق^۲، همسانی و از سوی دیگر، عملیاتی که تحت نام "استخراج"^۳ و "اشاره"^۴ هستند که این عملیات در مورد وابسته‌های اسم می‌باشند (در مورد این دو مطلب، رک. کولیولی، فوکس و پوشو، ۱۹۷۰ و مجله زبان‌های نوین، ش. ۳، ۱۹۶۸، ص ۱۱۳).

1- Localisation

یعنی، در ارتباط با چیزی بودن: رابطه بین یک چیزی و آنچه حکم نشانه را برای آن دارد. "تحدید"، یعنی، جایگاه مختصه‌های مفهوم، تحدید هم یک فرا- مفهوم است (همانجا).

2- Appartenance

3- Extraction

یکی از عملیات "تعیین"، استخراج است. عملیاتی که دو مطلب را مطرح می‌کند: (۱) اینکه در ارتباط با یک یا چند عنصر از یک طبقه هستیم. (۲) اینکه طرح می‌شود که این یا چند عنصر به یک موقعیت خاص تعلق قرار دارند (همانجا).

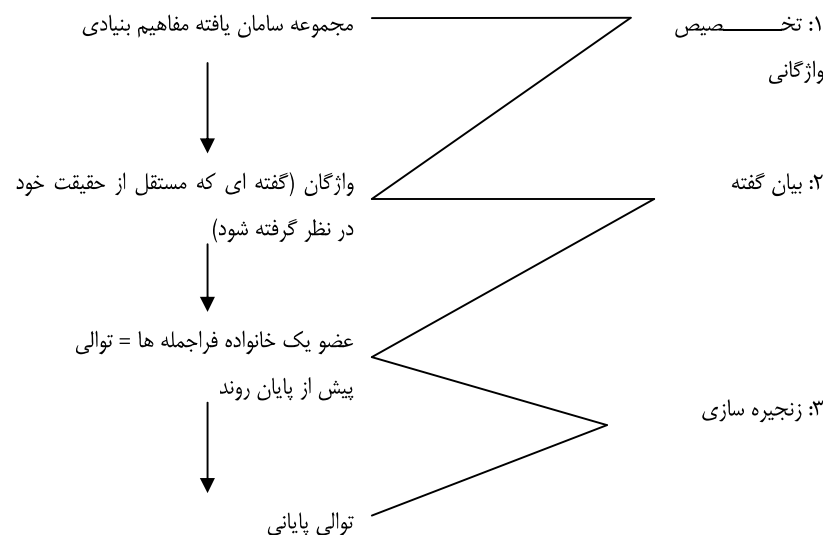
4- Fléchage

عنصری که قبلا استخراج شده و وجود آن در یک شرایطی مطرح می‌شود. اگر این عنصر برای بار دوم در گفته مطرح شود، دومین عمل "تعیین" انجام شده که در ارتباط با عمل اول است و درجه تعیین کلمه مورد نظر افزایش می‌یابد (همانجا).

پس روشن است که کولیولی نه فقط مشخصه‌سازی تجریدی زبان را مد نظر قرار می‌دهد همانند توانش زبانی چامسکی بلکه ظهور فعالیت زبان را نیز ارائه می‌کند.

۲- سطوح مختلف نظریه

به دلیل اهمیتی که برای روشن شدن مطلب وجود دارد و بدون آنکه، ابتدا قصد این باشد که حالت قطعی نظریه بیان شود، بجاست که این سطوح را به گونه طرح زیر ارائه کنیم:



باید شرح مختصری در مورد این نمودار ارائه دهیم: لازم به ذکر است که در اینجا منظور ما ارائه فرضیه ظهور فعالیت زبان است. طرح یک چنین فرضیه ای، ممکن است در وضعیت موجود آگاهی‌ها و شناخت‌های ما، مخاطره آمیز به نظر برسد، ولی باید به خاطر آورد که روندهای دیگر که به ظاهر میانه‌روتر هستند، (به عنوان مثال در مورد چامسکی ۱۹۶۵ رک).

فوکس، گوفیک، ۱۹۷۵، فصل ۹) به طور بنیادین نامناسب هستند، به نظر می‌رسد که طرح مطلب با این اصطلاح‌ها خطا آمیز است.

هر مرحله از این نمودار، بیانگر یک سری عملیاتی است که از یک حالت به حالت دیگر گذر می‌کنند. کولیولی به عنوان نقطه شروع حرکت، مجموعه‌های سامان یافته مفاهیم بنیادی را ارائه می‌دهد؛ باید در این مورد، متوجه این مطلب بود واقعیتی که از طریق زبان نفوذ می‌کند، در نقش مولفه‌های بنیادی همانند، گسسته، ناگسسته، فشرده، واحد/چندگونه، حالت/فرایند... است و همچنین، آنچه را او "نوسانات سبکی" می‌نامد، یعنی، استعاره‌ها و لغزش معنای ناخودآگاه (در مورد این مطلب، رک. کولیولی، فوکس، پوشو، ۱۹۷۱، ص ۱۸ و کولیولی، ۱۹۶۸، ص ۴۶).

مرحله اول، یعنی، **تخصیص واژگانی**، بیانگر انتخاب مفاهیم است که این مفاهیم در گفته وارد می‌شوند.

کولیولی مطرح می‌کند که این مفاهیم، در این مرحله، توسط قالب مخروطی پالایش می‌شوند که همان طرح واژگان نام دارد. قالبی که دارای سه جا و بیانگر گزاره با دو قمر است و دسته‌های پیچیده روابط را تعریف می‌کند. (برای مسائلی که مربوط به توصیف طرحی که سه جا برای گفته‌ها دارد و شامل فعل‌هایی غیر از فعل متعدی مستقیم می‌شوند، رک. کولیولی، فوکس، پشو، ۱۹۷۰، صص ۲۴-۱۹).

در زمینه تخصیص واژگانی، واژه‌هایی داریم که در بین خود به کمک روابط پیچیده ترکیب می‌شوند، به این معنا "پیچیده می‌شوند"، منظور شبکه‌ای از روابط متقابل پیچیده‌تر و ظریف‌تر از روابطی است که در برگیرنده زیرساخت چامسکی می‌شوند (رک. فوکس، گوفیک، ۱۹۷۵، فصل ۱۱).

مرحله دوم شامل **عملیات بیان** می‌شود. تناقضی را خاطر نشان کنیم: عملیات بیان باید ضرورتاً در مورد موضوعی به کار روند که **واژگان** نامیده می‌شود ولی از طرف دیگر، روشن است که گویندگان "آنچه را که صحبت خواهند کرد" قبل از آنکه به موقعیت بیان گفتار ارجاع دهند، انتخاب نمی‌کنند. به زبان دیگر، تخصیص واژگانی و بیان باید همزمان صورت گیرند. بیان، خود،

شامل دو دسته می شود: از یک سو عملیات اشتقاقی فراجمله‌ها در رابطه با یک واژگان ساده یا مرکب، برای مثال:

سرو صدا کودک را خسته می‌کند

Le bruit épuise l'enfant

کودک خسته است، این سر و صدا است

L'enfant est épuisé, c'est le bruit

سر و صدا است چیزی که کودک را خسته می‌کند

Il y a du bruit ce qui épuise l'enfant

این سر و صدا است که کودک را خسته می‌کند

C'est le bruit qui épuise l'enfant

و غیره، و از سوی دیگر، عمل اختصاص دادن، یعنی، وابسته دستوری (کولیولی، ۱۹۶۸، ص ۱۱۲) و "تغییرات سبکی"، تعادل‌ها و ارزش‌گذاری‌های ذهنی مربوط به مرحله قبل از آگاهی / آگاهی (کولیولی، فوکس، پشو، ۱۹۷۰، ص ۱۸).

کولیولی مطرح می‌کند که حتی اگر دو گوینده قواعد یکسان برای اشتقاقی فراجمله‌ها داشته باشد، ضرورتاً قواعد یکسان برای ادای کلام ندارند (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۷). باید توجه کرد که این عملیات بیان، در تنوع تحقق بر حسب زبان‌ها همگانی و متمایزیند. تناقض دوم از اینجا ناشی می‌شود که موردی را که ما اشتقاق خانواده‌ای از فراجمله‌ها می‌نامیم و همزمان با آن مفهومی به عنصری از این خانواده اختصاص می‌دهیم، عناصر دیگر، با همان شیوه پذیرفته یا رانده می‌شوند: "گفته منفرد وجود ندارد، هر گفته‌ای در بین دیگر گفته‌ها ست که توسط گوینده با مجموعه‌ای از گفته‌هایی که معادل آن هستند، عجین می‌شوند. به طور خلاصه، هر گفته جزو خانواده فراجمله‌ها می‌شود که تغییر یافته‌اند. از طرف دیگر، گفته‌ای وجود ندارد که ادا نشود، یعنی پدیده‌ای منحصر باشد" (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۶).

سومین و آخرین مرحله، شامل فرافکنی روی زنجیره توالی قبل از مرحله نهایی که بر مبنای قوانین خاص یک زبان مشخص، مجموعه توالی اصطلاح‌ها به دست می‌آید.

۳- نتیجه

"به آرامی از زبانشناسی حالت‌ها به سوی زبانشناسی عملیات گذر می‌کنیم. بتدریج، متوجه می‌شویم که زبان رابطه دایمی و وقفه ناپذیر بین اسناد و بیان است که به کمک آن، گویندگان زبان با تنیدن واقعیتی سازمان‌یافته از مجموعه ارجاعات، تعداد زیادی گفته تولید می‌کنند و یک نوع کثرت مفهومی را ارائه می‌دهند (کولیولی، ۱۹۷۳، ص ۸۷).

منابع

- A.Culioli (1967) "La communication verbale", in *Encyclopédie des sciences de l'homme*, Tome 4, (éd. Grange Batelière).
- A.Culioli (1968 a) "A propos du genre en anglais contemporain", in *Les Langues modernes*, N03, 1968, pp. 38-46. (Voir également dans ce même numéro de la revue, la "Table ronde", pp. 108-119).
- A.Culioli (1968 b) "La formalisation en linguistique", in *Les Cahiers pour l'Analyse*, N09, 1968 (Le Seuil), pp. 106-117.
- A. Culioli, C. Fuchs, "Considérations théoriques à propos du traitement formel du langage M. Pecheux (1970) (Document de linguistique quantitative, N07).
- A. Culioli (1971) "A propos d'opérations intervenant dans le traitement formel de langues ,Naturelles", in *Mathématiques et sciences humaines*, N034, (Gauthier-Villars), pp. 7-15.
- A.Culioli (1973) "Sur quelques contractions en linguistique", in *Communications N020*(Le Seuil), pp. 83-91.
- A.Culioli (1974) "A propos des énoncés exclamatifs", in *Langue Française N022*, pp. 6-15.
- A.Culioli (1972) "Théorie de l'énonciation et problèmes de prédication", in *Les Langues modernes*, pp. 121-125.
- A. Culioli , Concepts linguistiques, ALPHA. Behind the words (1975) Glossaire linguistique, OCDL HATIER.